

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بررسی سیره عملی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در مقابل دشمنان

پدید آورنده: سارا محمدی جلالده^۱

^۱. سطح ۲ / حوزه علمیه حضرت معصومه (سلام الله علیها)، شهرستان رودبار.

چکیده

سیره ی نبوی بسان مشعلی بر سر راه رهبران و رهروان مسلم است. پس باید در آن تأمل شایسته نمود تا از راز و رمز موفقیت پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) و صحابه کرام او در برابر دشمنان و مخالفان خود بهره مند گردید. چون تحلیل ابعاد و زوایای زندگی پر رمز و راز پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) می‌تواند ما را به اصولی رهنمون باشد که از آنها راهکارهای عملی برای زمان حاضر و همه زمان‌ها به دست آید. از این رو مدیریت سیاسی جامعه اسلامی و شیوه رفتار و تعامل سیاسی پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) با مخالفان و دشمنان اسلام (کافران، مشرکان، منافقان) و اندیشه و تحلیل و بررسی درباره سیره نبوی در این زمینه امری ضروری است. لذا این مقاله درصدد کشف پاره‌ای از ابعاد آن برآمده است. یافته های این تحقیق حاکی از این است که سیره پیامبر(صلی الله علیه و آله) در برخورد با دشمنان خود اعم از کافران، مشرکان و منافقان برخوردی متفاوت و متناسب با نوع دشمنی مخالفان و نیز شرایط زمانی و مکانی بوده است ولی اصول کلی پیامبر در برخورد با دشمنان خود را می‌توان در مدارا و نرمش ایشان دانست. به عبارت دیگر، رمز موفقیت و پیروزی فرستادگان الهی از جمله پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله وسلم) در تبلیغ و ترویج دین خدا و در برخورد با مخالفان، برخورد درست و خلق نیکوی آنان در برابر دشمنانشان بوده است. بنابراین از آنجا که هدف پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، هدایت و رهبری مردم بود و نه دشمنی و جنگ با آنان، در این راه بردباری بسیاری از خود نشان داد. ایشان در دعوت از دشمنان خود دچار مشقت‌های بسیاری می‌شد و رفتارهایی ناپسند از آنان می‌دید، ولی هرگز دست از دعوت و موعظه آنان برنداشت. این پژوهش با رویکرد نظری و تحلیلی، مواردی را که پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) در مقابله با مخالفان با مدارا و مواردی که با قاطعیت رفتار می‌نمودند، تحلیل و بازشناسی نموده است.

کلیدواژه: سیره/ پیامبر/ دشمنان/ کافران/ مشرکان/ منافقان.

مقدمه

پیامبران در وهله اول واسطه فیض خدا و انتقال دهنده پیام الهی به بشر می باشند و این واسطه گری را از طریق دعوت، تبلیغ، بشارت، انذار، هدایت و تزکیه به انجام می رسانند. پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) نیز همانند دیگر پیامبران سبک و روش خاصی را در برخورد با مخاطبان و مخالفان و دوستان و دشمنان پیش گرفته بودند. مطالعه سیره عملی پیامبر(صلی الله علیه وآله) با دشمنان و مخالفان خود و آگاه کردن جامعه از اصول و مبانی این شیوه ها از مهم ترین نیازهای فکری جوامع مسلمان به شمار می رود؛ چرا که تفکر اسلامی در این برهه از زمان با چالش های جدی که برخاسته از تقابل فرهنگ سلطه با فرهنگ اسلامی می باشد، روبرو شده است. برای این منظور، دقت در زوایای برخورد پیامبر با انواع دشمنان خود و پیامدهای هر برخورد در جهت وصول به رهیافتی معین ضروری به نظر می رسد.

هرچند درباره سیره آن حضرت در باب برخورد با دشمنان خود منابعی در دست است، لکن در خصوص استخراج سبک، سیاق و شیوه این رفتارها و برخوردها کمتر نگاه پژوهشی و موشکافانه صورت گرفته است. که البته می توان برای نمونه به منابعی از قبیل «سیری در سیره نبوی» نوشته مرتضی مطهری، و یا مقاله «روش شناسی برخورد پیامبر(صلی الله علیه وآله) با مشرکان و اهل کتاب» نوشته عباسی مقدم اشاره کرد. هدف از این تحقیق، شناسایی و تبیین سیره پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) به عنوان الگوی نمادین و سرمشق حیات نوع انسانی و نیز شناخت ابعاد و جلوه های اسوه برتر انسانی در مقابله با دشمنان می باشد. از اینرو تلاش بر این است که به این پرسش ها پاسخ داده شود: ۱- مخالفان پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) چند دسته بودند؟ و ۲- روش برخورد پیامبر اکرم با هر کدام از این دشمنان چگونه بوده است؟. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی، سعی دارد که ضمن برشمردن دشمنان و مخالفان پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم)، شیوه ها و سیره عملی ایشان را در برخورد با دشمنان خود و مواجهه با آنها در شرایط مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

۱) مفاهیم

۱ - ۱) معنای لغوی سیره

سیره در زبان عربی از ماده «سیر» است، سیر؛ یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن. همچنین نوع راه رفتن. سیره بر وزن «فعله» است و در زبان عربی، دلالت بر نوع می کند.^۱

راغب اصفهانی سیره را به معنای حالتی دانسته که انسان یا غیر انسان بر آن حالت باشد.^۲

طریحی نیز، سیره را به طریقه، هیئت و حالت معنا کرده است.^۳

ابن منظور نیز گوید: «سیره از کلمه «سیر» به معنای رفتن است و خود کلمه سیره به معنای روش و رفتار و سنت و طریقت و هیأت می باشد».^۴

بیشتر کتب لغت «سیره» را به معنای روش و راه دانسته اند، بنابراین در معنای سیره گونه ای دوام و استمرار نهفته است. و معنای دیگری که برای سیره یاد کرده اند، هیأت و حالت است. سیره حالتی است که انسان و غیر انسان به گونه غریزی یا دریافتی بر آن است.^۵

شهید مطهری می نویسد: «سیره در زبان عربی از ماده «سیر» است. «سیر»؛ یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن، «سیره»؛ یعنی نوع راه رفتن، سیر یعنی رفتن، رفتار، ولی سیره یعنی نوع و سبک رفتار. آنچه مهم است شناخت سبک رفتار پیغمبر است. آنها که سیره نوشته اند رفتار پیغمبر را نوشته اند [و نه سبک و اسلوب پیغمبر در رفتار را] این کتابها که ما به نام سیره داریم؛ سیر است نه سیره... رفتار پیغمبر نوشته شده است، نه سبک پیغمبر در رفتار، نه اسلوب رفتار پیغمبر، نه متد و روش پیغمبر».^۶

۱ - ۲) معنای اصطلاحی سیره

«سیره» از قرن اول و دوم هجری بین مسلمین رایج گردید و ریشه ی عربی دارد، و عبارت است از تداوم و استمرار سیرت و روش عملی مردم یا جمعی از آنان بر انجام دادن یا ترک

^۱ . عمید، فرهنگ فارسی عمید، ذیل واژه.

^۲ . راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ذیل واژه «سیره».

^۳ . طریحی، مجمع البحرین، ذیل واژه «سیره».

^۴ . ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۳۹۹.

^۵ . راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ذیل واژه.

^۶ . مطهری، سیری در سیره نبوی، ص ۴۷. زرین کوب، کارنامه اسلام، ص ۹۰ - ۸۶.

کاری. سیره در اصطلاح به آن بخش از رفتار و روش عملی هر شخص گفته می‌شود که از حالت وحدت و یکبار یا چند بار محدود انجام گرفتن بیرون آمده باشد و به مرحله تکثر و مداومت رسیده باشد، و به صورت یک سبک و متد درآمده باشد.

۲) دشمنان پیامبر(صلی الله علیه و آله)

تغییر ساختار قدرت در عربستان زمان پیامبر(صلی الله علیه و آله) که نتیجه اش تبدیل نظام قبیلہ ای به نظامی اسلامی بود، با مخالفانی روبه رو شد که منافعشان با منافع نظام جدید سازگار نبود، از این رو دشمنی‌هایی در قالب گروه‌های مختلف در مقابل پیامبر(صلی الله علیه و آله) صورت گرفت که ایشان متناسب با شرایط محیطی و زمانی و با در نظر گرفتن ویژگی‌های مخالفانش، سیاست‌های گوناگونی را در برخورد با آنها در پیش گرفتند.^۱ در یک تقسیم‌بندی کلی، می‌توان دشمنان و مخالفان پیامبر(صلی الله علیه و آله) را به سه دسته تقسیم نمود:

۲-۱) کافران(منکران خدا، نبوت، معاد و دهریان)

گروهی از مخاطبان پیامبر را تشکیل می‌دهند که منکر خدا، معاد و نبوت اند. کفر به معنی پوشاندن است و کافران بر وجود خدا در خود یا در پهنه هستی پوشش می‌نهند و حاضر به اظهار آن نیستند. این دسته، هرچند مصادیق و نمونه‌های کمتری در میان دشمنان، رسول خدا دارند، اما در آیات متعدد به عقاید آنان اشاره شده است. البته در کاربرد قرآنی بر مفهوم فوق، کفر به مفهوم گسترده تری نیز به کار رفته که شامل شرک، عناد و حتی نفاق شده است.^۲

چنان که مؤلف قاموس قرآن می‌نویسد: «کافر در عرف دین به کسی گفته می‌شود که وحدانیت، یا نبوت یا شریعت یا هر سه را انکار کند».^۳

^۱. خان بیگی، «برخوردهای حکیمانه پیامبر رحمت با مخالفانش»، ص ۶.

^۲. عباسی مقدم، «روش شناسی برخورد پیامبر(صلی الله علیه و آله) با مشرکان و اهل کتاب»، ص ۱۶۷.

^۳. قرشی، قاموس قرآن، ص ۱۲۲.

یکی دیگر از روش های تبلیغی که پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) در تبلیغ معارف دینی و بیداری مردم از آن بهره می گرفت، خطابه است. شهید بزرگوار آیت الله مطهری(رحمه الله) در باره خطابه و موعظه چنین گفته اند: «سرو کار خطابه نیز با احساسات است، اما خطابه برای تهییج و بی تاب کردن احساسات است و موعظه برای رام کردن و تحت سلطه درآوردن. خطابه آن جا به کار می آید که احساسات خمود و راکد است و موعظه آن جا ضرورت پیدا می کند که شهوات و احساسات خودسرانه عمل می کند، خطابه احساسات غیرت و حمیت و سلحشوری و عصبیت و شرافت و کرامت و خدمت را به جوش می آورد و پشت سر خود جنبش و حرکت ایجاد می کند. اما موعظه جوشش ها و هیجان های بی جا را خاموش می کند. خطابه زمام کار را از دست حساب گری های عقل خارج می کند و به دست توفان احساسات می سپرد. اما موعظه توفان ها را فرومی نشاند و زمینه را برای حساب گری و دوراندیشی فراهم می کند»^۱.

۳ - ۳ - ۲) بیان حقیقت در برابر شایعه پراکنی

رسول خدا(صلی الله علیه وآله) در ضمن اینکه با منافقان مدارا می کردند، در برابر شایعه پراکنی های آنان، حقیقت را بیان می داشتند و بدین صورت، هم باورها و اندیشه افراد جامعه را از خطر انحراف مصون می داشتند و هم به شایعه پراکنی منافقان پایان می دادند.

برای نمونه در یکی از منازل رفتن به سوی «تبوک»، شتر رسول خدا(صلی الله علیه وآله) که نامش «قصواء» بود، گم شد. زیدبن لُصیت قینقاعی، که از منافقان بود، گفت: آیا محمد(صلی الله علیه وآله) گمان می کند که پیام آور الهی است و از آسمان برای شما خبر می دهد، در حالی که نمی داند شترش کجاست! اندکی بعد، رسول خدا(صلی الله علیه وآله) فرمودند: یکی از منافقان چنین گفته است. آنچه من می دانم همان است که خداوند به من تعلیم داده است؛ اما حالا شتر من در فلان شعب است و افسارش بر درختی، در آنجا مانده است. بروید و او را بیاورید. اصحاب رفتند و او را همان جا یافتند و آوردند.^۲

۳ - ۳ - ۳) منزوی کردن

مدارا و گذشت پیامبر در برخورد با منافقان بدان دلیل بود که آنان در ظاهر مسلمان بودند؛ ولی پیامبر توجه داشتند که اینها در وجود خودشان کفر را پنهان کرده اند و به خاطر حفظ

^۱. مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۴۹۹ - ۴۹۸.

^۲. جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۶۵۱.

جان و مالشان، یا به خاطر ضربه زدن به مسلمانان به اسلام تظاهر می کنند. به همین دلیل، تدابیری اندیشید که اینان نتوانند به اهداف شوم خود دست یابند. یکی از بهترین راه ها برای این منظور، در انزوا قرار دادن آنان بود که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) به شیوه های گوناگون این هدف را دنبال کردند. یکی از این راه ها، معرفی هویت منافقان بود.^۱

به عنوان مثال، منافقان در عین حال که با یکدیگر به صورت پنهانی سخن می گفتند، از آن هراس داشتند که آیاتی درباره شان نازل شود و سبب شرمندگی شان گردد. برخی از آنان در عقبه ای در میانه راه «تبوک»، در انتظار فرصتی بودند تا در راه بازگشت رسول خدا(صلی الله علیه وآله) آن حضرت را به فتک بکشند. جبرئیل، رسول خدا(صلی الله علیه وآله) را از تصمیم آنان آگاه کرد. آن حضرت کسانی را فرستاد تا آنان را از آنجا پراکنده کنند. حذیفه، که در کنار رسول خدا(صلی الله علیه وآله) بود، تعدادی را شناخت و آن حضرت دیگران را نیز به او معرفی کرد. حذیفه پرسید: آیا آنان را به قتل نمی رسانید؟ رسول خدا(صلی الله علیه وآله) فرمودند: نمی خواهم عرب بگویند: چون محمد به کمک اصحابش پیروزی یافت، به کشتن آنها پرداخت.^۲

از دیگر راه ها برای منزوی کردن یهودیان، می توان لعن منافقان، بی اعتنایی به منافقان و تحقیر آنان و عدم واگذاری پست های حساس به منافقان بود.

^۱ . دانش، «رسول خدا(صلی الله علیه وآله) و استراتژی ایشان در برابر خط نفاق»، ص ۴۰.

^۲ . جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، ص ۶۴۷.

نتیجه گیری

تعمق و تفکر، در شخصیت و سیره سیاسی بی نظیر پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم)، چشم اندازهای تازه و مفید را در برابر دیدگان همه می گشاید، و مسلمانان را به نکات استراتژیک سیاسی خاص، در زمینه حکومت داری و رهبری و تعامل با دوست و دشمن متوجه می سازد. این امر روشن است که در ارتباط با دشمنان، پیامبر گرامی با بینش سیاسی مدبرانه و شخصیت ممتاز خویش محبت را جایگزین نفرت و عزت را جایگزین تحقیر و صلح و دوستی را جایگزین جنگ و دشمنی نمود. در بررسی سیره عملی پیامبر و برخورد آن حضرت با دشمنان و مخالفان خود، باید گفت: با توجه به وظیفه اصلی پیامبران - مبنی بر هدایت جامعه به سوی سعادت و کمال و ابلاغ پیام الهی - اصل اساسی حاکم بر رفتار آنها به خصوص پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله)، اصل رحمت، محبت و شفقت بود؛ یعنی هدف اصلی آن حضرت، جذب مردم به سوی خدا و دین اسلام بود. وقتی هدف چنین باشد، رفتار نیز در راستای آن خواهد بود. آنچه بیشتر در رفتار نبوی بروز داشت و جلوه می نمود، مدارا با مخالفان بود؛ یعنی تا آنجا که ممکن بود، پیامبر مدارا می نمود و از خطاها چشم پوشی می کرد. اما وقتی مخالفان، اساس دعوت پیامبر و اصول تغییرناپذیر دین را هدف قرار می دادند و به اقدامات عملی(فتنه گری، آشوب و محاربه) دست می زدند، دیگر «مدارا و مسامحه» جایی نداشت و پیامبر چاره ای جز برخورد همراه با خشونت نداشت و این نوع برخورد، همواره در راستای حفظ دین و هدایت مردم و برقراری امنیت جامعه صورت می گرفت. لذا باید اذعان کرد که سیره عملی پیامبر(صلی الله علیه وآله) در مقابله با دشمنان خود اعم از کافران، مشرکان و منافقان، بستگی به شرایط زمانی و مکانی و نیز قشر مخالف ایشان دارد.

فهرست منابع

قرآن کریم

الف) منابع فارسی

۱. پاکتچی، ابراهیم، بجنوردی، کاظم، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۰، تهران، مرکز دایره المعارف، ۱۳۸۰.
۲. پایگاه فرهنگی تبلیغی رسالات، «*خصوصیات روحی و ویژگی‌های رفتاری پیامبران در راه تبلیغ*»، مجله پیام نور، ش ۳۲، ۱۳۸۹.
۳. جعفریان، رسول، *تاریخ سیاسی اسلام*، ج ۱، قم، انتشارات دلیل، ۱۳۸۰.
۴. خان بیگی، حمزه، «*برخوردهای حکیمانه پیامبر رحمت با مخالفانش*»، مجله تبیان، ش ۸، ۱۳۹۳.
۵. دانش، محمدقدیر، «*رسول خدا(صلی الله علیه وآله) و استراتژی ایشان در برابر خط نفاق*»، معرفت، ش ۱۲۹، ۱۳۸۷.
۶. زرین کوب، عبدالحسین، *کارنامه اسلام*، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۷ش.
۷. سبحانی، جعفر، *فروع ابدیت*، ج ۲، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۵۱.
۸. طه حسین، *آئینه اسلام*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، شرکت انتشارات، ۱۳۳۹ش.
۹. عباسی مقدم، مصطفی، «*روش شناسی برخورد پیامبر(صلی الله علیه وآله) با مشرکان و اهل کتاب*»، فلسفه دین، ش ۶، ۱۳۸۹.
۱۰. عطاران، سعید، «*ویژگی‌های تبلیغی پیامبر اسلام در قرآن*»، مجله نور، ش ۴۲، ۱۳۸۷.
۱۱. عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، سپهر، چاپ سی ام، ۱۳۸۰ش.

۱۲. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، ج ۲، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸.
۱۳. مطهری، مرتضی، *سیری در سیره نبوی*، تهران، صدرا، ۱۳۶۶.
۱۴. _____، *مجموعه آثار*، ج ۱۶، تهران، صدرا، ۱۳۷۵.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، ج ۱۸، چاپ دهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.

ب) منابع عربی

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، ج ۶، چاپ سوم، بیروت، نشر دارصادر، ۱۴۱۴ق.
۲. حرانی، ابن شعبه، *تحف العقول*، قم، موسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۳. راغب اصفهانی، *مفردات ألفاظ القرآن*، تحقیق صفوان داودی، دمشق، دارالقلم، چاپ سوم، ۱۴۱۸ق-۱۹۹۷م.
۴. طباطبایی، محمدحسین، *تفسیر المیزان*، ج ۱۲، چاپ پنجم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۵. _____، *سنن النبی*، ترجمه محمدهادی فقهی، تهران، دارالمکتبه اسلامی، ۱۳۶۲.
۶. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، قم، مؤسسه البعثه، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۷. طیب، عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۴، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۹.
۸. قرشی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، ج ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۰.
۱۰. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، ج ۱۶، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۱. محمدی ری شهری، محمد، *میزان الحکمه*، ج ۱۰، قم، دارالحديث، ۱۳۱۶ق.